مجله علمی، پژوهشنامه مالیات،
شماره پنجاه و هشت (مسلسل ۱۰۶)،
تابستان۱۴۰۲، مقاله پژوهشی، صفحه ۲۴-۷

بررسی نقش مالیات‌ها در پایداری درآمدهای دولت با تاکید بر سیاست‌های کلی نظام

مهدی شکری‌نیا[۱]
دکتر مجتبی الماسی[۲]
علی فلاحتی[۳]

چکیده

کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد به واسطه ایجاد درآمدهای پایدار دولت و همچنین بهبود در توزیع درآمدها، مولفه‌های مهم سیاستگذاری در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام است. با توجه به اهمیت بهبود کارایی نظام مالیاتی در راستای بند ۱۷ اقتصاد مقاومتی، پژوهش حاضر به بررسی امکان توسعه نظام مالیاتی و پایداری درآمدهای دولت با استفاده از شواهد آماری استانی طی دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ و بکارگیری رهیافت رگرسیون چندک و خودرگرسیون‌برداری با وقفه توزیعی گسترده می‌پردازد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد در چندک‌های بالای مالیاتی، کشش انواع مالیات‌ها افزایش یافته است و بزرگتر از واحد است، همچنین افزایش سهم مالیات بر کالاها و خدمات در کنار بالا بودن کشش این نوع از مالیات نسبت به رشداقتصادی بر پایداری درآمد دولت دلالت دارد. علاوه بر این، شوک مثبت و منفی رشد اقتصادی قادر به تغییر معنی‌داری در درآمدهای مالیاتی برای افزایش در پایداری درآمد دولت نیست، لذا شناسایی ظرفیت‌های مالیاتی جدید و ایجاد ارتباط قوی بین رشد اقتصادی و پایه‌های مالیاتی مهمترین سیاست در راستای چشم‌انداز مطلوب نسبت به سیاست‌های کلی نظام است.

واژگان کلیدی: پایداری درآمد دولت، رگرسیون چندک، NARDL

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۱۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۲

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد وکارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه mahdi.shokrinia@gmail.com
۲. دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد وکارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه،(نویسنده مسئول)، mojtaba_almasi@yahoo.com
۳. دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد وکارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه ali.falahatii96@gmail.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

مقدمه

یکی از منابع مهم بی‌ثباتی اقتصاد، عدم پایداری درآمدهای دولت است. درآمدهای دولت که در سال‌های اخیر مبتنی بر درآمدهای نفتی بوده است و با وجود تحریم، عدم پایداری درآمدهای دولت و کسری بودجه ناشی از آن به طور معنی‌داری رشد کرده است. بنابراین این دغدغه مهم منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی برای ایجاد درآمدهای پایدار دولت شده است که این مسئله در اسناد بالادستی کشور مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۱۷ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی تاکید شده است، در سیاست‌های کلی نظام دربخش تعاون، بر حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی از روش‌های مانند تخفیف مالیاتی متمرکز به عنوان یکی از راه‌حل‌های توسعه تعاونی در کشور تاکید شده است و در نهایت اصلاح نظام مالیات‌ها و ایجاد بانک اطلاعاتی زمین و مسکن نیز از جمله سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری دربخش مسکن است. توجه به سه سیاست مذکور در اسناد بالادستی کشور بر این مسئله تاکید می‌کند که ساختار مالیات‌ها در کشور باید از یک طرف از نوعی عدالت برخوردار باشد، به این صورت که مسکن به عنوان کالایی سرمایه‌ای و دارای رانت بالاتر، مشمول پایه‌های مالیاتی و نرخ مالیات بهینه باشد (سیاست‌های کلی نظام) و از طرف دیگر تمرکز بر منابع درآمد نفتی برای پوشش هزینه‌های دولت کاهش یابد (بند ۱۷ سیاست اقتصاد مقاومتی) تا بتوان حداکثر پایداری درآمدها را برای دولت ایجاد کرد.

بنابراین اهمیت توجه به مالیات‌ها در اسناد بالادستی و همچنین ماهیت متفاوت مالیات نسبت به درآمدهای نفتی لزوم توجه به چند مسئله را ایجاد کرده است، ابتدا اینکه مالیات انتقال قدرت خرید از افراد و فعالان اقتصادی به دولت است، بنابراین زمانی این نوع از انتقال قدرت خرید دارای توجیه اقتصادی است که آثار مطلوبی بر اقتصاد داشته است که این آثار مطلوب به بهبود در فضای کسب و کار و افزایش انگیزه تولید قابل اطلاق است. مالیات در هر اقتصادی تابعی از گستردگی و تنوع در فعالیت‌های اقتصادی است و رشد اقتصادی نیز تابعی از شرایط و نقش تسهیل‌گری دولت و حاکمیت قانون است، به این صورت که دولت با کسب درآمد مالیاتی وظیفه و نقش تسهیلگری را به طور مطلوب انجام داده و فعالان اقتصادی نیز نقش و سهم پرداخت مالیات را در بهبود شرایط را مشاهده نمایند، در این راستا عزیزی (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که برداشت‌های نادرست نسبت به مصارف مالیات یکی از عوامل اصلی برای نظام مالیات ستانی خاص برای‌بخش منابع طبیعی در ایران است.

بنابراین پایداری درآمد دولت برآیندی از دو نیروی مخالف عدم رضایت مودیان مالیات از پرداخت مالیات و رضایت جامعه از صرف درآمدهای مالیاتی در بهبود فضای کسب و کار است که مولفه تعیین کننده آن، دست یابی به رشد اقتصادی بالاتر است، هر چه در اقتصاد رشد اقتصادی بالاتر باشد، مالیات قابل اخذ به واسطه افزایش در پایه‌های مالیاتی متعدد به طور معنی‌داری افزایش یافته و با وجود افزایش در توانایی به پرداخت مالیات فعالان

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

اقتصادی، درآمد دولت نیز افزایش یافته و توانایی دولت در صرف مخارج برای بهبود زیربناها و فضای کسب و کار افزایش می‌یابد، چنین اقتصادی در دور تقویتی پایداری درآمد دولت و رشد اقتصادی بالاتر ورود کرده و بنابراین پویایی رشد اقتصادی و افزایش رفاه خانوارها مهمترین ویژگی چنین اقتصادهایی است. اما واقعیت آن است که مجموعه روابط فوق نیازمند الزاماتی است که با شرایط اقتصادی ایران سازگار نیست، قوانین مالیاتی پیچیده و ناقص و محدودیت‌های اجرایی و عدم استفاده موثر از فناوری اطلاعات و ساختارهای ناکارآمد در فرآیند مالیات ستانی از جمله این الزامات است (منظور ۱۴۰۱).

استان‌های ایران دارای ظرفیت مالیات ناهمگون به دلیل ساختارهای اقتصادی متفاوت است، بنابراین ظرفیت مالیاتی آنها نیز متفاوت است و به همین دلیل پژوهش حاضر با استفاده از شواهد آماری استان‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ به بررسی نقش درآمدهای مالیاتی در پایداری درآمدهای دولت می‌پردازد، و به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا مالیات در اقتصاد استان‌های ایران قادر است، درآمدهای مالیاتی پایدار برای دولت فراهم نماید. ادامه مقاله ابتدا ادبیات نظری و پیشینه تحقیق ارائه خواهد شد. سپس روش‌شناسی و مدل تحقیق ارائه می‌شود. دربخش بعدی نیز برآورد مدل و آزمون‌های مرتبط با آن مرور می‌شود. دربخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی حاصل از تحقیق ارائه می‌شود.

ادبیات و پیشینه تحقیق

سیستم‌های مالیاتی در ابتدای فعالیت با هدف تامین مخارج عمومی دولت پایه‌گذاری شدند. از سوی دیگر، این سیستم‌ها به منظور سهولت دست‌یابی به اهدافی مانند کاهش نابرابری، ثبات اقتصادی و همچنین کاهش نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی طراحی شدند. سیستم‌های مالیاتی باید به شکلی طراحی شوند که هزینه پذیرش آن از طرف مالیات‌دهندگان و نیز مخارج اجرایی دولت به حداقل کاهش یابد و همچنین سبب کاهش فرار مالیاتی شوند (ریواس[1]، ۲۰۰۳). پرداخت‌های انتقالی و سیاست‌های تثبیت اقتصادی دولت‌ها لزوم تامین مالی منابع بودجه‌ای را مطرح می‌کند، مالیات مهم‌ترین منابع تامین اعتبارات مورد نیاز دولت‌ها و همچنین نقطه آغاز شکل‌گیری دولت‌ها است (ماسگریو[2]، ۱۹۸۷). نحوه پاسخگویی سیستم‌های اقتصادی مختلف در مواجهه با تغییرات ساختاری در سیستم مالیاتی مختلف است و بستگی زیادی به سطوح مالیاتی آن‌ها خواهد داشت. از سوی دیگر، وضع مالیات‌های سنگین، نرخ سرمایه‌گذاری را کاهش داده و بر روی رشد اقتصادی تاثیر منفی دارد. مالیات بر سود شرکت‌ها، موجب افزایش بهره‌وری در شرکت‌ها شده و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. مالیات بر مصرف تا حدی مصرف افراد را کاهش داده در نتیجه میزان پس انداز و به دنبال آن سرمایه‌گذاری و

1. Rivas
2. Musgrave

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

تولید افزایش می‌یابد و در نهایت مالیات بر درآمد، نیز موجب افزایش میزان ساعت کاری می‌شود که به دنبال آن تولید افزایش می‌یابد (صمیمی و حسن زاده، ۱۳۸۰). نیاز دولت‌ها به منابع مالی برای اجرای وظایف خود از جمله تامین امنیت و اداره مرزها، ارائه کالا و خدمات مالیات جدا از نقش اصلی خود، یعنی تامین اعتبار مالی دولت، نقش‌های کلیدی دیگری مانند تثبیت اقتصادی، کاهش نوسان‌های اقتصادی، هدایت فعالیتها، و توزیع مجدد درآمد را نیز بر عهده دارد. از این‌رو، برآورد ظرفیت و کشش مالیاتی برای شناخت وضعیت عمومی رفتار مالیات‌ها و تشخیص نحوه افزایش درآمدهای مالیاتی دارای اهمیت است. آنچه از مفهوم ظرفیت مالیاتی استنباط می‌شود، مقدار مالیات بالقوه‌ای است که یک کشور یا منطقه با توجه به پایه‌های مالیاتی و حجم پولی فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند دریافت نماید. برآورد صحیح رفتار درآمدهای مالیاتی به منظور ارائه ابزارهای لازم مدیریتی به دستگاه‌های اصلی وصول کننده درآمدهای مالیاتی به ستاد تجهیز در آمدها، نقش و اهمیت این پژوهش را در نظام برنامه‌ریزی مالیاتی کشور بیش از پیش مشخص می‌سازد. در واقع، شناخت و درک حساسیت منابع مختلف در آمد مالیاتی، می‌تواند زمینه را برای اخذ تصمیمات مناسب‌تر در خصوص تعیین نرخ هر یک از پایه‌های مالیاتی، طی دوره‌های رونق و رکود فراهم کند (ماسگریو و ماسگریو، ۱۳۷۲).

پیشینه تحقیق

مطالعات خارجی

در مطالعه‌ای بروکنر (Bruckner, 2012) به برآورد کشش در آمد مالیاتی در ۳۳ کشور آفریقایی طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ با روش متغیرهای ابزاری پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، درآمد مالیاتی را حدود ۲/۵ درصد افزایش می‌دهد. ماچادا و زولتا (Machado and Zuloeta, 2012) در پژوهشی اثرات ادوار تجاری را بر کشش‌های بلندمدت و کوتاه مدت درآمد مالیاتی در ۸ کشور آمریکای لاتین بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که کشش‌های بلند مدت از نظر آماری و اقتصادی بزرگ‌تر از یک هستند در حالی که کشش‌های کوتاه‌مدت در اکثر حالات از نظر آماری متفاوت از صفر نیستند. صندوق بین‌المللی پول (International Monetary Fund, 2014) در مطالعه‌ای به بررسی کشش مالیاتی بلندمدت و کوتاه‌مدت در کشورهای عضو شورای همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که کشش کوتاه‌مدت کل درآمدهای مالیاتی در بیشتر کشورهای عضو OECD در دوره مورد مطالعه نزدیک به واحد بوده است و این شاخص از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد افزایش یافته است؛ در بلندمدت نیز در نیمی از کشورهای مذکور شاخص کشش مالیاتی بیشتر از یک بوده است که نشان می‌دهد رشد اقتصادی به بهبود نسبت‌های کسری ساختاری کمک کرده است. همچنین براساس سایر نتایج این مطالعه مالیات بر درآمد شرکت‌ها در این کشورها،

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

با کشش‌ترین مالیات و مالیات بر املاک و مالیات بر موارد خاص کمترین کشش را داشته است. همچنین کشش مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و پرداختهای تامین اجتماعی در کوتاه‌مدت و بلندمدت از اواخر دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته و به طور متوسط به زیر یک کاهش یافته است. مورنو و بولیوار (Moreno and Bolívar, 2014) در مطالعه‌ای به برآورد کشش‌های در آمد مالیاتی در کوتاه مدت و بلندمدت در ونزوئلا با استفاده از داده‌های فصلی دوره ۲۰۱۲-۱۹۵۰ با استفاده از روش DOLS پرداختند. نتایج نشان داد که کشش‌های مالیاتی ونزوئلا از کشش‌های محاسباتی قبلی به ویژه در بلندمدت بیشتر است. پائولو و جالیس (Paolo and Jalles, 2017) در مطالعه‌ای برای ۱۰۷ کشور با الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) نشان می‌دهند که طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۰ در کشورهای توسعه یافته ضرایب کشش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند و اندازه آن‌ها حدود یک است. علاوه بر این، اندازه ضریب کشش بلندمدت مالیات بر درآمد شرکت‌ها در کشورهای پیشرفته، مالیات بر درآمد اشخاص و کمک‌های بیمه تامین اجتماعی در اقتصادهای نوظهور و مالیات کالا و خدمات در کشورهای کم درآمد بزرگ‌تر از یک بوده است. خادان[1] (Khadan, 2020) نیز در مطالعه‌ای به برآورد کشش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۳ با رویکرد ARDL در ۳۶ کشور جهان پرداخته است. بر اساس نتایج این مطالعه کشش درآمدهای مالیاتی کل، نسبتاً بالا است اما اندازه کشش بلندمدت مالیات‌های غیرمستقیم در مقایسه با مالیات‌های مستقیم نسبتاً کوچک‌تر بوده است. همچنین، درکوتاه مدت کشش تمام منابع مالیاتی کوچکتر از یک بوده است.

بشیر و همکاران[2] (۲۰۱۹) عوامل موثر بر درآمد مالیاتی را برای دو کشور بحرین و عمان برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۰ مورد بررسی قرار می‌دهند، نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی اثر مثبت و معنی‌داری را بر درآمد مالیاتی دارد. مورونو اسپیونوسا و همکاران[3] (۲۰۲۰) اثر رشد اقتصادی را بر مالیات بر ارزش افزوده در کشور اسپانیا برای دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۰ و به کارگیری رهیافت حداقل مربعات معمولی نشان می‌دهند که اثر رشد اقتصادی بر مالیات بر ارزش افزوده مثبت و معنی‌داری است. ویجایا[4] (۲۰۲۰) تعیین کننده‌های درآمد مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای ASEAN را مورد بررسی قرار می‌دهند، نتایج برآوردها نشان می‌دهد که اثر رشد اقتصادی بر مالیات بر ارزش افزوده منفی و معنی‌دار است. اوفری و همکاران[5] (۲۰۲۱) با استفاده از شواهد آماری صحرای آفریقا برای دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۸۴ و رهیافت ARDL به بررسی تعیین کننده‌های مالیات می‌پردازند، نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت و معنی‌داری را بر مالیات دارند. گاردل و

1. Khadan
2. Basheer et al
3. Moreno Espinosa
4. Wijaya
5. Ofori et al

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

همکاران[1] (۲۰۲۱) رابطه بین درآمد مالیاتی و رشد اقتصادی در کشورهای G7 برای دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۰ مورد بررسی قرار می‌دهند، نتایج علیت نشان می‌دهند علیتی بین رشد اقتصادی و درآمد مالیاتی وجود ندارد. مانان[2] (۲۰۲۲) به ارزیابی تعیین کننده‌های مالیات در پاکستان طی دوره ۲۰۱۹-۱۹۸۰ با استفاده از رهیافت ARDL می‌پردازند، نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که افزایش درآمد سرانه اثر منفی و معنی‌داری را بر درآمد مالیاتی دارد.

مطالعات داخلی

صادقی و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به بررسی کشش قیمتی و وقفه جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی در ایران با استفاده از داده‌های فصلی دوره چهارم سال ۱۳۷۹ و دوره سوم سال ۱۳۶۰ و با استفاده از رویکرد سری زمانی پرداختند. نتایج نشان داد که طول وقفه مالیاتی بلندمدت ۲۳ ماه و کشش درآمدهای مالیاتی نسبت به سطح عمومی قیمت‌ها، بیش از واحد بوده است. همچنین طول وقفه مالیاتی برای دوره جنگ ۱۰ ماه و در حالت عادی ۱۶ ماه بوده و کشش قیمتی در آمدهای مالیاتی کم‌تر از واحد برآورد شده است. در کوتاه مدت، طول وقفه مالیاتی ۱۸ ماه برآورد شده و از طرف دیگر، تورم موجب کاهش درآمدهای اسمی مالیاتی شده است. از این رو استدلال شده است که در اقتصاد ایران، اثر تانزی در کوتاه مدت قوی‌تر از بلندمدت عمل کرده و موجب کاهش درآمدهای حقیقی مالیاتی شده است.

مداح و نوروزی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به برآورد کشش شناوري مالیاتی به روش همجمعی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۳ پرداختند. نتایج روابط تعادلی بلندمدت حاکی از آن است که مالیات کل و مالیات‌هاي مستقیم و غیرمستقیم داراي کشش شناوري مالیاتی بزرگ‌تر از واحد هستند. این نتایج نشان می‌دهد مالیات‌هاي مورد اشاره با رشد بیشتري نسبت به ر شد اقتصادي کشور افزایش می‌یابند. در نتیجه سهم درآمدهاي مالیاتی در بودجه دولت در آینده افزایش داشته و نیاز چندانی به تعدیل نظام مالیاتی و نرخ‌هاي مالیاتی احساس نخواهد شد. محمودزاده و ستوده‌نیا (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی برآورد وقفه مالیاتی و کشش قیمتی به تفکیک گروه‌های مالیاتی استان گلستان طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ با استفاده از روش هم انباشتگی جوهانسن - جوسیلیوس پرداختند. نتایج نشان داد که متوسط طول وقفه جمع‌آوری مالیات‌های مستقیم حدود ۱۱ ماه (طول وقفه مالیات بر شرکتها ۱۵ ماه، مالیات بر درآمد ۱۵/۳ ماه و مالیات بر ثروت ۲/۱۳ ماه) بوده است. این در حالی است که طی دوره مورد مطالعه، وقفه جمع‌آوری مالیات‌های غیرمستقیم ۵/۳۲ ماه بوده است. کشش قیمتی درآمد مالیاتی مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۶۷ و ۰/۵۵ بوده است. به عبارت دیگر، متوسط کشش قیمتی مالیات‌های مستقیم ۰/۶۷ بوده است. در حالی که متوسط کشش قیمتی مالیات‌های

1. Gurdal et al
2. Manan

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

غیرمستقیم ۰/۶۲ بوده است که هر دو کوچک‌تر از یک هستند. این نتایج بیان‌گر آن است که سیستم مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم نسبت به تورم بی‌کشش بوده و از کارایی لازم برخوردار نیست تا به نسبت تورم مالیات‌ها را تغییر دهد. عباسیان و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی واکنش کشش‌های بلندمدت و کوتاه مدت پایه‌های مالیاتی به ادوار تجاری در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۵۲ با روش DOLS پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که در بلندمدت کشش مالیات بر درآمد و مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی از نظر آماری بزرگ‌تر از واحد و سایر پایه‌های مالیاتی تفاوت معناداری با واحد ندارند. در کوتاه‌مدت نیز تنها کشش مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی متفاوت از واحد بود و سایر پایه‌های مالیاتی تفاوت معناداری از مقدار واحد ندارند. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد شده است که دولت در زمان رکود تمرکز کم‌تری بر مالیات بر درآمد و مالیات بر اشخاص حقوقی داشته باشد. حاجتی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی برآورد کشش درآمدی و ظرفیت مالیاتی به تفکیک اجزای درآمدهای مالیاتی در استان خوزستان طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۷۹ با رویکرد ARDL پرداختند. نتایج نشان داد که ظرفیت مالیاتی مشاغل استان با ارزش افزوده‌بخش رستوران و هتل‌داری، و درآمد سرانه رابطه مثبت و معناداری دارد. به علاوه، رابطه بین ظرفیت مالیاتی شرکت‌ها و ارزش افزوده‌بخش خدمات مثبت و معنادار است. ضمن آن‌که رابطه بین ظرفیت مالیاتی سایر مالیات‌های مستقیم (ثروت و مستغلات)، با ارزش افزوده مستغلات و رشد اقتصادی مثبت و معنادار است، و رابطه بین ظرفیت مالیاتی مالیات‌های غیرمستقیم با مخارج مصرفی‌بخش خصوصی و ارزش افزوده‌بخش معدن مثبت و معنادار است. حیدری زاده و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از شواهد آماری کشور در دوره ۱۳۹۶-۱۳۶۰ و رویکرد اقتصادسنجی بیزی نشان می‌دهند که بیکاری و وفور درآمدهای نفتی یکی از عوامل اصلی برای فرار مالیاتی است.

روش‌شناسی و مدل تحقیق

در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحل اولی روش‌های خطی با توجه به سطح مانایی متغیرهای استفاده خواهد شدو و در ادامه از روش NARDL و کوانتایل برای برآورد رابطه غیر خطی استفاده خواهد شد. در این مطالعه از شکل خاصی از روش NARDL استفاده خواهد شد که اخیراً توسط شین و همکاران[1] (۲۰۱۴) توسعه یافته است. روش NARDL، شکل خاصی از فرمت ARDL خطی پسران و همکاران (۲۰۰۱) است که امکان بررسی عدم تقارن در روابط بلندمدت و کوتاه مدت بین متغیرها را فراهم می‌آورد. مزیت روش NARDL نسبت به سایر روش‌های همجمعی این است که کارایی آن در مدل‌های دارای مشاهدات کم، بالاتر است. همچنین این روش برای حالتی که متغیرهای توضیحی مدل درون‌زا باشند نیز کاربرد دارد (آلام و کوازی،[2] ۲۰۰۳). علاوه بر این

1. Shin et al
2. Alam and Quazy

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

برای برآورد کشش انواع مالیات‌ها از رگرسیون کوانتایل که توسط کوینکر و باست[1] (۱۹۷۴) معرفی شد، استفاده می‌شود. انگیزه اصلی به کارگیری رگرسیون کوانتایل این است که با نگاهی دقیق و جامع در ارزیابی متغیر پاسخ، مدلی ارائه شود تا امکان دخالت متغیرهای مستقل، نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع به ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی فراهم گردد. همچنین این روش محدودیت مفروضات رگرسیون معمولی را ندارد (پاول، [2] ۲۰۱۳). شکل عمومی برآورد کشش‌های مالیاتی به صورت یک تابع به شکل زیر است:

$$LnT_{it} = \beta_0 + \beta_1 LnGDP_{it} + u_t \qquad (۱)$$

در تابع فوق T کل درآمد مالیاتی وصول شده براساس نوع مالیات در زمان t برای استان i است که از آمارهای سازمان امور مالیاتی مستخرج شده است و دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ را پوشش می‌دهد. GDP: تولید ناخالص داخلی بدون نفت (برای محاسبه کشش درآمدی مالیات) است که از آمارهای بانک مرکزی استخراج شده است. Ln نیز بیانگر لگاریتم طبیعی است. به تعداد انواع مالیات‌ها، معادله‌ای مطابق رابطه (۱) برآورد خواهد شد. انواع مختلف کشش‌های برآوردی به صورت جدول (۱) خواهد بود.

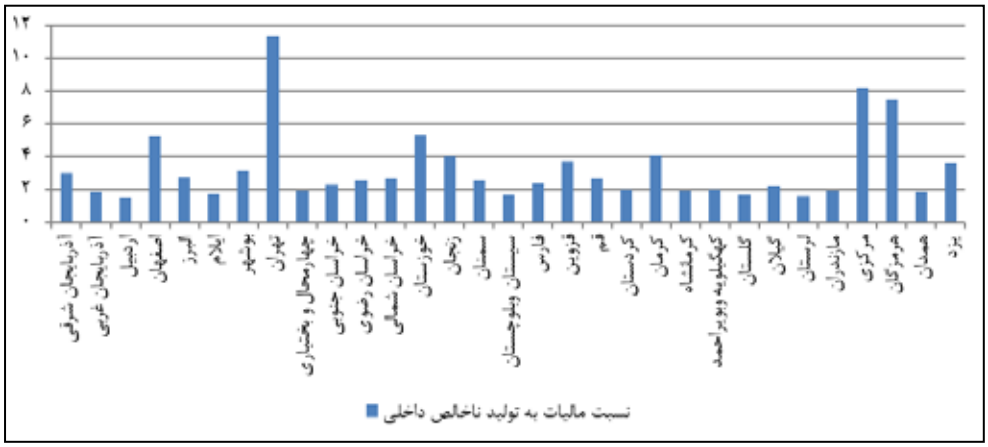
تحلیل شواهد آماری

استان‌های ایران از نظر رشد اقتصادی و درآمدهای مالیات بسیار ناهمگون هستند، برای تایید این فرضیه از نسبت مالیات کل به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است، نمودار (۱) نشان می‌دهد که طی دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰، استان تهران دارای بیشترین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بوده است که برابر با ۱۱/۳۸ درصد است. در این میان استان اردبیل و لرستان دارای کمترین نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به ترتیب برابر با ۱/۵۴ و ۱/۶ درصد هستند. همچنین استان مرکزی و هرمزگان دارای بیشترین نسبت درآمد مالیاتی برابر با ۸/۲۳ و ۷/۴۹ درصد است.

1. Koenker and Bassett
2. Powell

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]



نمودار (۱): نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی

بالا بودن نسبت مالیات به تولید در تهران نسبت به سایر استان‌های ممکن است ناشی از تمرکز انواع شرکت‌های مادر در پایتخت باشد،

برآورد کشش‌های مالیاتی به روش کوانتایل

جدول (۱) برآورد کشش مالیاتی با استفاده از رهیافت رگرسیون چندک[۱] را نشان می‌دهد. بررسی آمارهای گردآوری شده نشان می‌دهد که سهم مالیات مستقیم در کل درآمد مالیاتی در ۳۱ استان مورد بررسی در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ برابر با ۶۳ درصد بوده است طوری از رقم ۸۰ درصد در سال ۱۳۹۰ به رقم ۵۳/۷ درصد در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. این در حالی است که سهم مالیات کالاها و خدمات از رقم ۲۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به رقم ۴۶ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است، و این مسئله نشان می‌دهد که سیستم مالیاتی کشور در سال‌های اخیر به طور نسبی بهبود یافته است، اما در حالت مطلوب قرار نگرفته است. لذا شناخت روش‌های بهبود ساختار مالیاتی دارای اهمیت است، یکی از این روش‌ها، برآورد و بررسی کشش مالیاتی به تفکیک انواع مالیات‌ها است. هر چه اقتصادی دارای رشد بالاتری باشد، قابلیت اخذ مالیات با نرخ بالاتر امکانپذیر است، چرا که زیربناهای اقتصادی زمینه را برای رشد اقتصادی بالاتر فراهم کرده و جامعه با درک این مسئله قادر است مالیات بیشتری را بپردازد، نتایج برآوردها نیز چنین واقعیتی را تایید می‌کند.

براساس برآوردها، در چندک بالای انواع مالیات‌ها، کشش مالیات نسبت به رشد اقتصادی نیز افزایش یافته

۱. آزمون‌های مربوط به غیرنرمال بودن متغیرهای پژوهش برای استفاده از رگرسیون چندک تایید شده است و برای صرفه جویی در فضا ذکر نشده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

است. مقادیر بالای مالیات نشات گرفته از رشد اقتصادی بالاتر است و رشد اقتصادی بالاتر زمینه را برای افزایش تصاعدی مالیات فراهم می‌کند. بنابراین همواره در چندک‌های بالای مالیاتی کشش مالیاتی بیشتر بوده و به این واسطه پایداری درآمدها دولت به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. نتایج برآوردها در جدول (۱) نشان می‌دهد که کشش کل درآمدهای مالیاتی نسبت به رشد اقتصادی در تمام چندک‌های مورد بررسی بالاتر از واحد است و با افزایش رشد اقتصادی، مالیات بیش از رشد اقتصادی افزایش یافته است. یکی از دلایل مهم برای بالا بودن کشش مالیاتی در کشور، ظرفیت‌ها و پایه‌های مالیاتی شناسایی نشده دربخش های مختلف اقتصادی و نوظهور بودن اهمیت سیستم مالیاتی در کشور به دنبال تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر است. کشش مالیات بر کالاها و خدمات دارای بیشترین کشش نسبت به رشد اقتصادی است و در چندک ۲۵ برابر با ۱/۳۳ است و به ازای یک درصد افزایش یک درصد در رشد اقتصادی، مالیات به اندازه ۱/۳۳ درصد افزایش یافته است، با توجه به سهم ۳۶/۵ درصدی این نوع از مالیات‌ها و روند افزایشی آن در سال‌های اخیر مهمترین تعیین کننده پایداری درآمدهای دولت خواهد بود. یکی از دلایل مهم برای بالا بودن کشش مالیات کالاها و خدمات، اثرگذاری ملموس رشد اقتصادی در افزایش کالاها و خدمات است.

کشش مالیات مستقیم در چندک ۲۵ برابر با ۰/۹۹ است و کمتر از واحد است، و در چندک‌های بالای مالیاتی این نرخ افزایش یافته است، به این صورت که در چندک ۷۵ به رقم ۱/۲۴ افزایش یافته است و به این واسطه افزایش رشد اقتصادی در چندک‌های بالای مالیاتی، نمود بیشتری بر پایداری درآمد مالیاتی دارد. بررسی کشش مالیاتی در اجزای مالیات مستقیم نشان می‌دهد که مالیات بر شرکت‌ها دارای بیشترین کشش مالیاتی است.

با توجه به اینکه مالیات کالاها و خدمات بالاترین سهم در درآمدهای مالیاتی دارد، بالا بودن کشش مالیاتی آن می‌تواند تا حد زیادی پایداری درآمدهای دولت را افزایش دهد. این حالت مطلوب زمانی دارای نمود واقعی است که محرک‌های بهبود رشد اقتصادی مبتنی بر ارزش افزوده‌بخش های واقعی اقتصاد باشد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

جدول (۱)- نتایج برآورد رگرسیون کوانتایل

انواع مالیات	چندک‌ها		
	Q25	Q50	Q75
مالیات مستقیم	۰/۹۹۱*** (۳۲/۲۳)	۱/۱۱۹*** (۳۳/۳۴)	۱/۲۳۸*** (۲۵/۳۲)
مالیات بر کالا و خدمات	۱/۳۳۳*** (۳۳/۲۳)	۱/۴۱۹*** (۳۱/۴۶)	۱/۴۴۸*** (۲۵/۹۶)
مالیات بر درآمد	۰/۹۹۱*** (۴۵/۵۸)	۰/۹۷۸*** (۵۸/۵۲)	۱/۰۵۷*** (۴۹/۳۷)
مالیات بر شرکت‌ها	۱/۰۷۴*** (۲۱/۴۱)	۱/۲۰۳*** (۱۷/۰۹)	۱/۳۳۶*** (۱۶/۸۲)
مالیات بر ثروت	۱/۰۳۳*** (۱۹/۹۷)	۱/۱۳۴*** (۳۶/۰۸)	۱/۱۸۸*** (۳۰/۱۰)
کل مالیات‌ها	۱/۰۸۹*** (۴۶/۷۸)	۱/۱۸۷*** (۳۰/۲۳)	۱/۳۴۹*** (۳۱/۵۴)

*** معنی‌داری ضرایب در سطح خطای یک درصد، ** معنی‌داری در سطح خطای ۵ درصد، * معنی‌داری در سطح خطای ۱۰ درصد است.
منبع: نتایج تحقیق

به کارگیری رهیافت رگرسیون چندک، نشان دهنده اثرات متفاوت رشد اقتصادی بر مالیات در چندک‌های مختلف مالیاتی است، که این مسئله بر تفاوت ضرایب دلالت دارد. لذا برای آزمون برابری ضرایب کشش به دست آمده، از آزمون برابری ضرایب در چندک‌های مختلف استفاده می‌شود. نتایج برآوردها در جدول (۲) نشان می‌دهد که تفاوت ضرایب بین چندک ۲۵ و ۵۰ و همچنین بین چندک‌های ۵۰ و ۷۵ در تمام انواع مالیات‌ها از نظر آماری معنی‌دار است، اما تفاوت ضرایب در دو نوع مالیات بر کالاها و خدمات و مالیات بر ثروت در دو چندک ۵۰ و ۷۵ تفاوت معنی‌داری از نظر آماری وجود ندارد و بنابراین عدم تقارن اثرگذاری رشد اقتصادی بر مالیات بر کالاها و خدمات و مالیات بر ثروت در چندک‌های ۵۰ و ۷۵ تایید شده است. در سایر انواع مالیات و در تمام چندک‌ها این نوع عدم تقارن وجود دارد که این مسئله بر بالا بودن ظرفیت و پتانسیل مالیاتی در استان‌های دارای مالیات بالاتر با افزایش بیشتر در رشد اقتصادی دلالت دارد. در واقع در سطح مالیات‌های بالاتر رفتار جامعه اصلاح شده است و مالیات امری پذیرفته شده است. بنابراین اقتصاد ایران نیازمند یک سیستم جامع مالیاتی در کنار توجه به پیشران‌های رشد اقتصادی برای برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه مالیات در جهت افزایش پایداری درآمدهای دولت است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

جدول (۲)- نتایج آزمون برابری ضرایب شیب‌ها در چندک‌های مختلف مورد بررسی

متغیر / کوانتایل	Q25-Q50	Q50-Q75	Q25-Q75
مالیات مستقیم	۱۴/۲۲ (۰/۰۰)	۸/۲۲ (۰/۰۰۴)	۳۴/۹۲ (۰/۰۰)
مالیات بر کالا و خدمات	۳/۵۴ (۰/۰۶۰)	۰/۶۵ (۰/۴۲۰)	۴/۳۲ (۰/۰۳۸)
مالیات بر درآمد	۵/۴ (۰/۰۲۰)	۲۰/۸۰ (۰/۰۰)	۱۶/۵۶ (۰/۰۰)
مالیات بر شرکت‌ها	۷/۳۶ (۰/۰۰۷)	۳/۲۳ (۰/۰۷۳)	۱۰/۶۶ (۰/۰۰۱)
مالیات بر ثروت	۵/۴۶ (۰/۰۲۰)	۱/۵۵ (۰/۲۱۴)	۳/۶۳ (۰/۰۵۷)
کل مالیات‌ها	۴/۶۳ (۰/۰۳۲)	۱۱/۶۷ (۰/۰۰)	۳۲/۰۳ (۰/۰۰)

منبع: نتایج تحقیق

نتایج روش NARDL

در جهت برآورد اثرات نامتقارن شوک‌های مثبت و منفی رشد اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی از روش NARDL پانل استفاده می‌شود. نتایج برآورد NARDL در جدول (۳) گزارش شده است، براساس شواهد به دست آمده ضریب تصحیح خطا در تمام انواع مالیات‌ها منفی و کمتر از یک است و از نظر آماری نیز معنی‌دار است، بنابراین هر گونه عدم تعادل در انواع مالیات به سمت تعادل در بلندمدت تعدیل خواهد شد و نوعی همگرایی در مالیات‌ها وجود دارد. همچنین در کوتاه مدت و بلندمدت، شوک مثبت و منفی رشد واقعی اقتصاد اثر معنی‌داری را بر تغییرات مالیات واقعی ندارند، که این مسئله ناشی از دو واقعیت است، ابتدا اینکه ظرفیت‌های مالیات ناشناخته به نسبت بالایی در اقتصاد استان‌ها وجود دارد که حساسیت مالیات به تغییرات رشد اقتصادی را به طور معنی‌داری کاهش داده است. این مسئله به این معنی است که در اقتصادهایی که ظرفیت مالیاتی کامل است، هر گونه افزایش در رشد اقتصادی در کوتاه مدت شناسایی شده و مالیات بر آن وضع می‌شود، اما این واقعیت در اقتصاد ایران وجود ندارد. دومین دلالت ناشی از ساختار نامطلوب اقتصادی است که رشد اقتصادی را برای نظام مالیاتی ملموس نکرده است و به همین دلیل نوعی بیگانگی بین رشد اقتصادی و مالیات‌ها وجود دارد. در بلندمدت شوک مثبت رشد اقتصادی باعث افزایش معنی‌داری در مالیات بر شرکت‌ها شده است و در کوتاه مدت این اثر در مورد شوک‌های منفی و مثبت بلعکس شده است، در کوتاه مدت با وجود شوک مثبت رشد اقتصادی، مالیات بر شرکت‌ها به اندازه تورم افزایش

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

پیدا نکرده است و در بلندمدت این ظرفیت شناسایی می‌شود و مالیات واقعی بر شرکت‌ها افزایش می‌یابد که این مسئله ناکارایی نظام مالیاتی و ضدچرخه‌ای بودن مالیات‌ها در کوتاه مدت دلالت دارد. در مالیات بر ثروت نیز در بلندمدت رفتار ضدچرخه‌ای رشد-مالیات وجود دارد، اما در کوتاه مدت این مسئله برعکس است و دلیل آن ناشی از عدم ارتباط بین رشد اقتصادی و مولفه‌های تعیین کننده آن است.

جدول (۳)- نتایج برآورد مدل به روش NARDL

مدل	متغیر	بلندمدت	کوتاه مدت	ضریب تصحیح خطا
مالیات مستقیم	شوک مثبت رشد اقتصادی	-۲/۲۵ (۰/۲۴)	۰/۵۰۸ (۰/۶۳۵)	-۰/۹۳ (۰/۰۰)
	شوک منفی رشد اقتصادی	۱/۹۶ (۰/۳۲)	۰/۳۹۶ (۰/۴۵۲)	
مالیات بر کالا و خدمات	شوک مثبت رشد اقتصادی	۱/۳۲ (۰/۹)	۱/۵۶ (۰/۵۹)	-۰/۴۹ (۰/۰۰)
	شوک منفی رشد اقتصادی	-۰/۱۵۹ (۰/۹)	-۰/۹ (۰/۶۸)	
مالیات بر درآمد	شوک مثبت رشد اقتصادی	۴/۴۳ (۰/۲۸۷)	۰/۵۱۴ (۰/۶۷۴)	-۰/۶۳۴ (۰/۰۰)
	شوک منفی رشد اقتصادی	-۳/۷۵ (۰/۳۰۶)	-۰/۲۶۵ (۰/۶۸۴)	
مالیات بر شرکت‌ها	شوک مثبت رشد اقتصادی	۵۰/۷۳ (۰/۰۰)	-۲/۹ (۰/۰۱۹)	-۰/۰۶۳ (۰/۰۳)
	شوک منفی رشد اقتصادی	-۵۳/۹۴ (۰/۰۰)	۱/۱۸ (۰/۰۱۶)	
مالیات بر ثروت	شوک مثبت رشد اقتصادی	-۱/۳۷ (۰/۰۰)	۱/۰۶ (۰/۰۰)	-۰/۷۶۹ (۰/۰۰)
	شوک منفی رشد اقتصادی	۱/۹۳ (۰/۰۰)	-۰/۴۷۵ (۰/۱۶۴)	
کل مالیات‌ها	شوک مثبت رشد اقتصادی	۱۰/۴۹ (۰/۴۳۸)	۰/۰۴۷ (۰/۹۶)	-۰/۵۸ (۰/۹۰۰)
	شوک منفی رشد اقتصادی	-۶/۵۲ (۰/۵۹)	۰/۵۸ (۰/۳۸۲)	

منبع: نتایج تحقیق

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

برای آزمون عدم تقارن شوک‌های مثبت و منفی رشد اقتصادی بر انواع مالیات‌ها از آزمون والد استفاده شده است، براساس نتایج جدول (۴)، فرضیه صفر مبنی بر برابری ضرایب شوک‌های مثبت و منفی در انواع مالیات‌ها به غیر از مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر ثروت تایید شده است. عدم تقارن اثرگذاری شوک‌های مثبت و منفی رشد اقتصادی بر مالیات بر ثروت و شرکت‌ها تایید شده است که این مسئله با توجه به رشد غیرطبیعی تورم در اقتصاد ایران تایید شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون والد برای بررسی تقارن شوک‌های نرخ رشد اقتصای در روش NARDL

انواع مالیات	کوتاه مدت	بلندمدت
مالیات مستقیم	۰/۰۱	۱/۱۷
	(۰/۹۴)	(۰/۲۸)
مالیات بر کالا و خدمات	۰/۲۶	۰۰
	(۰/۶۱)	(۰/۹۴)
مالیات بر درآمد	۰/۲۱	۱/۰۹
	(۰/۶۴)	(۰/۲۹)
مالیات بر شرکت‌ها	۵/۸۸	۱۵/۹۱
	(۰/۰۱۵)	(۰/۰۰)
مالیات بر ثروت	۴۰/۳۸	۱۰/۷۷
	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
کل مالیات‌ها	۰/۱۱	۰/۴۳
	(۰/۷۴)	(۰/۵۱)

منبع: نتایج تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اهمیت شناسایی ظرفیت‌های مالیاتی برای افزایش پایداری درآمدهای دولت در راستای اسناد بالادستی سیاست‌های کلی نظام بر ضرورت پژوهش حاضر دلالت دارد، در این راستا از شواهد آماری استانی طی دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۰ و رهیافت رگرسیون چندک و NARDL استفاده شده است. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی اثر مثبت بر درآمد مالیاتی دارد که این نتیجه با مطالعات بشیر و همکاران (۲۰۱۹)، مورونو اسپیونوسا و همکاران (۲۰۲۰)، اوفری و همکاران (۲۰۲۱) سازگار و با مطالعات ویجایا (۲۰۲۰)، مانان (۲۰۲۲) ناسازگار است که با توجه به روند رو به رشد مالیاتی در سال‌های اخیر و جدید بودن ساز و کار کسب درآمدهای مالیاتی دارای توجیه است. شواهد رگرسیون چندک نشان می‌دهد که با افزایش در رشد اقتصادی، میزان رشد مالیات‌ها در چندک‌های بالاتر بیش از چندک‌های پایین افزایش می‌یابد بنابراین هر چه مالیات افزایش یابد، با رشد اقتصادی بیشتر، رشد

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

مالیات بیشتر افزایش می‌یابد که این مسئله به دو دلیل است: ۱- ارتباط قوی بین رشد اقتصادی و بالا بودن مالیات‌ها ۲- شناسایی بهتر ظرفیت‌های مالیاتی. با توجه به اینکه در اغلب چندک‌ها کشش مالیاتی برای انواع مالیات‌ها بزرگتر از یک است، بنابراین با مطالعات مداح و نوروزی (۱۳۹۵)، سازگار و با نتایج مطالعات محمودزاده و ستوده‌نیا (۱۳۹۶) ناسازگار است که با توجه به اینکه در سال‌های اخیر مالیات به شدت افزایش یافته است، بنابراین بالا بودن کشش مالیاتی دارای اعتبار بیشتری است. همچنین در راستای بررسی اثر شوک‌های مثبت و منفی رشد اقتصادی بر مالیات‌ها در راستای کارایی نظام مالیاتی، نتایج نشان می‌دهد که کارایی مالیات‌ها وجود ندارد و سیستم مالیاتی قادر به شناسایی این ظرفیت‌ها نبوده است و ناشی از نوپا بودن سیستم مالیاتی و ناشناخته ماندن ظرفیت‌های مالیاتی و دومین دلیل عدم ارتباط قوی بین رشد اقتصادی و مالیات‌ها است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

فهرست منابع

منابع فارسی

- پناهی، حسین؛ سجودی، سکینه؛ مرندیان حق، مه‌نساء، (۱۳۹۵). برآورد کشش‌های قیمتی و درآمدی تقاضای واردات دارو در ایران، فصلنامه تحقیقات اقتصادی؛ ۵۱ (۴): ۸۰۰-۷۷۷.
- حاجتی، امید، فرازمند، حسن؛ افقه، سید مرتضی، آرمن، سید عزیز، (۱۳۹۸) برآورد کشش درآمدی و ظرفیت مالیاتی به تفکیک اجزای درآمدهای مالیاتی در استان خوزستان، فصلنامه برنامه و بودجه ۲۴ (۴): ۱۲۴-۹۷.
- رفعت میلانی، مژگان؛ پژویان، جمشید، حسینی، سید شمس‌الدین؛ غفاری، فرهاد، (۱۳۹۹) بررسی تاثیر مالیات محلی برتوزیع درآمد درکشورهای منتخب OECD و ارائه راهکارهای جهت پیاده‌سازی مالیات‌های محلی دراقتصاد ایران، ۱۴(۵۳): ۴۴-۲۱.
- رنجبر، همایون؛ دایی‌کریم‌زاده، سعید؛ موسوی‌اصل، سید امیر حسین، (۱۳۹۴) برآورد تابع تقاضای واردات گروه دارویی آنتی بیوتیک در ایران؛ فصلنامه مدیریت بهداشت، ۶ (۳): ۴۹-۴۳.
- صادقی، حسین؛ اصغرپور، حسین؛ محمودزاده، محمود، (۱۳۸۳) کشش قیمتی و وقفه‌های مالیاتی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ۶۵: ۱۳۴-۱۱۲.
- عباسیان، عزت‌اله؛ جعفری، محمد؛ نصیرالاسلامی، ابراهیم؛ محمدی، فرزانه، (۱۳۹۶) واکنش کشش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پایه‌های مالیاتی به ادوار تجاری در ایران، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۲۸: ۳۳-۷.
- کامیاب تیموری، رضا؛ کیقبادی، امیررضا؛ فرساد امان‌اللهی، فرساد، (۱۴۰۰) شناسایی ریسک‌های قابل کنترل عدم تمکین مالیاتی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، فصلنامه اقتصاد مالی، ۵۶: ۳۰۲-۲۶۹.
- ماسگریو، ریچارد، و ماسگریو، پگی، (۱۳۷۲) مالیه عمومی در تئوری و عمل. ترجمه مسعود احمدی و یداله ابراهیمیفر، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی ـ اجتماعی.
- محمودزاده، محمود؛ ستوده‌نیا، مریم، (۱۳۹۶) بررسی برآورد وقفه مالیاتی و کشش قیمتی به تفکیک گروه‌های مالیاتی استان گلستان، پژوهشنامه مالیات، ۳۳: ۱۴۷-۱۱۷.
- مداح، مجید؛ نوروزی، زهرا، (۱۳۹۵) برآورد کشش شناوري مالیاتی به روش همجمعی، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۲۷: ۹۶-۷۱.
- مظفری، هاشم، (۱۳۹۴) برآورد کشش و وقفه مالیات بر درآمد شرکت‌ها (مطالعه موردی استان اردبیل)، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی.
- منظور داوود (۱۴۰۱). تحلیل رفتار تمکین مؤدیان مالیاتی در ایران: رویکرد نظریه بازی‌ها. پژوهشنامه مالیات. ۳۰ (۵۵): ۱۵۰-۱۲۷.
- حیدرزادی حسین، خداپناه مسعود، منتظرحجت امیرحسین. بررسی عوامل تعیین کننده فرار مالیاتی در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصادسنجی بیزین. پژوهشنامه مالیات. ۱۴۰۱; ۳۰ (۵۳): ۹۷-۱۲۲.
- عزیزی صدیقه (۱۴۰۲). طراحی مکانیزم‌های اجرایی شدن یک نظام مالیات ستانی برای‌بخش منابع طبیعی با استفاده از فن داده بنیان. پژوهشنامه مالیات. ۳۱ (۵۷): ۱۲۰-۱۴۵

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

منابع انگلیسی

1. Bruckner, M. (2012). An instrumental variables approach to estimating tax revenue Elasticity's: Evidence from Sub-Saharan Africa. Journal of Development Economics, 98(2), 220-227.
2. Khadan, J. (2020). Long and short-run tax buoyancies in small states'', Economics Bulletin, 40(1): 821-827.
3. Koenker, R. (2005). Quantile Regression. New York: Cambridge University Press.
4. Koenker, R; and Bassett, Jr. (1978). "Regression Quantiles," Econometrica, 46(1), 33-50.
5. Koenker, R; Hallock, K. (2001). "Quantile Regression," Journal of Economic Perspectives, 15(4), 143-156.
6. Koenker, R; Machado, F. (1999). "Goodness of Fit and Related Inference Processes for Quantile Regression," Journal of the American Statistical Association, 94(448), 1296-1310.
7. Machado, R. , & Zuloeta, J. (2012). The impact of the business cycle on elasticities of tax revenue in Latin America. Inter-American Development Bank.
8. Moreno, M. A. , & Maita, M. (2014). Tax elasticity in Venezuela a dynamic cointegration approach. Central Bank of Venezuela.
9. Musgrave, R. (1987). Tax Reform in Developing Countries. The Theory of Taxation in Developing Countries. Newbery, D. and Stern, N: New York: Oxford University Press.
10. Paolo, D; Jalles, J. (2017)," How Buoyant is the Tax System? New Evidence from a Large Heterogeneous Panel", IMF Working Paper, WP/17/4
11. Powell, D. (2013). A new framework for estimation of quantile treatment effects: No separable disturbance in the presence of covariates," RAND Working Paper Series WR-824-1.
12. Rivas, L. A. (2003). Income Taxes, Spending Composition and Long-Run Growth, European Economic Review, 47(3): 27-477.
13. Basheer, M. , Ahmad, A. , & Hassan, S. (2019). Impact of economic and financial factors on tax revenue: Evidence from the Middle East countries. Accounting, 5(2), 53-60.
14. Gurdal, T. , Aydin, M. , & Inal, V. (2021). The relationship between tax revenue, government expenditure, and economic growth in G7 countries: new evidence

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

from time and frequency domain approaches. Economic Change and Restructuring, 54(2), 305-337.

15. Manan, A. (2022). Assessing the Determinants of Tax Revenue: Empirical Evidence from Pakistan.¶ Pacific Business Review, 14(11): 69-84.
16. Moreno Espinosa, J. , Beltrán Godoy, J. H. , & Mata Mata, L. (2020). Effect of economic growth and legal complexity on the Value Added Tax. Contaduría y administración, 65(4).
17. Ofori, I. K. , Obeng, K. C. , & Yeltulme Mwinlaaru, P. (2021). Effect of exchange rate volatility on tax revenue performance in Sub-Saharan Africa. Available at SSRN 3844224.
18. Wijaya, S. (2020). Determinant of Value Added Tax Revenue in ASEAN (the Association of Southeast Asian Nations) Countries. International Journal of Management, 11(9).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]

Investigating the role of taxes in the stability of government revenues with emphasis on the general policies of the system

Mehdi Shokrinia[1]
PhD Candidate in Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi, Kermanshah, Iran. Email: Mahdi. shokrinia@gmail. com

Mojtaba Almasi
Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi, Kermanshah, Iran. Email: Mojtabaalmasi@yahoo. com

Ali Flahati
Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi, Kermanshah, Iran. Email: Ali. falahatii96@gmail. com

Abstract
Reducing the vulnerability of the economy by creating stable government revenues and also improving the distribution of revenues are important policy components in the upstream documents and general policies of the system. Considering the importance of improving the efficiency of the tax system in line with paragraph 17 of the resistance economy, this study investigates the possibility of developing the tax system and the stability of government revenues using provincial statistical evidence over 2011-2019 and using the quantile regression approach and Non-linear Autoregressive Distributed Lag. The results of the estimates show that in high tax quantile, the elasticity of all types of taxes has increased and is greater than unity, and the increase in the share of taxes on goods and services, along with the high elasticity of this type of tax relative economic growth, indicates the stability of the government's income. Finally, the low tax efficiency, along with the non-significance of the asymmetry of positive and negative economic growth shocks on all types of taxes, indicates the unfavorable situation of the current tax system, therefore, identifying new tax capacities and establishing a strong relationship between economic growth and tax bases is the most important policy in line with the vision of the general policies of the system.

Keywords: Tax Elasticity, qauntile regression, NARDL.

1. Corresponding author.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/taxjournal.32.58.1]